

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۵ ه.ق - ده شب با دولت ظهور)

۲۴ آبان ۹۲

خطبه‌ی شب دوازدهم

به نام آفریننده‌ی جان‌ها؛ پروردگاری که جان‌های مشتاق را اَبَّهًا الْمُخْلِصُونَ نامید و به همگان عرضه داشت: آنان از پلیدی نفس اماره در امان هستند چون اخلاص، قلعه‌ی مستحکمی است که راه نفوذ هوای نفس را محدود می‌کند و حاصلش جانی است که شیطان در آن راهی ندارد و خداوند کریم زمین را برای خلیفگان خود آفریده و وعده فرموده وارثان آن نیز همان‌ها هستند و کسانی به سعادت خواهند رسید که در خدمت آنان باشند؛ خدمتی که خشنودی خداوند کریم و پیامبرش و جانشینش باشد ولی افسوس نام ملکوتیان را در ظرف جانش به هوسی می‌آراید که خود آن را می‌پسندد و برایش نوای عشق سر می‌دهد. پیامبر گرامی‌شان به تماشا می‌نشینند؛ ای وای بر امتی که مانند گوساله پرستان امت موسی (ع) بر گرد ساخته‌ی ذهنشان می‌چرخند و جواهرات وجودشان را در آتش گداخته ذوب می‌کنند تا نماد خودپرستی را معنا کنند. چه شده که پرچم اسلام در آتش عشقی می‌سوزد که عاشقان نامش مدعیانی هستند که آتش امیالشان پرده بر حقیقت هدایتش انداخته و آن را در بازار داد و ستد به بهایی اندک وا گذارده است و کاروانی را که بر پشت شترهایش عزت عطایی خداوند را حمل می‌کند را به عجز و زبونی در افکار خود تبدیل کرده و برایش مرثیه خوانی می‌کند درحالی‌که از معصومین است که فرمودند: خداوند کریم وقتی از انوار جلاله‌ی خود در کالبد انسان‌ها دمید اول عضوی که بیدار شد سر انسان‌ها بود تا چشم بتواند از انوار جلاله نور بگیرد و هر چشمی که باز شد در مقابل خود خالق را دید که آنچه می‌خواسته برایش آفریده است؛ عاشوراییان در شکر از پروردگار، همین سر که با انوار هدایت آفریدگار خود شرف پیدا نموده بود را مجدداً به درگاه خالق خود پیشکش نمودند و پروردگار کریم فرمود: من این سرها را جایگاه رفیعی خواهم بخشید و آن سرها با اطاعت خالق خود شرفی بس بزرگ پیدا نمودند و شجاعت سر شهیدان کربلا گویای این عهد و پیمان بود.

سرور عالمیان حضرت زهرا چه زیبا فرمودند: شهیدان راه حق گوش‌هایی شنوا دارند و هر زبانی که از حق آنان دفاع کند آن زبان را دعا می‌کنند تا شرافت ذکر الهی پیدا کند و پروردگار کریم در قیامت آن را به سخن درآورد و آن زبان جز به تمجید باز نشود مانند زبان حضرت زکریا (ع) که سه روز فقط به ذکر باز شد. در هر عصری کسانی انتخاب می‌شوند تا زبانی گویا داشته باشند از گفتن حقیقت؛ این زبان آرام نمی‌گیرد مگر با شهادت و شهادت است که او را برای ستودن آفریدگار خود ذکر می‌گرداند پس هر بار که به یکتایی خداوند کریم شهادت دادید جاودانگی زبانتان را از یکتای کریم تقاضا کنید.

باید که دوستان و عزاداران اباعبدالله الحسین (ع) این فرموده‌ی اسوه‌ی صبر و ایثار، حضرت زینب کبری (س) را با اندیشه و باور و یقین آویزه‌ی گوش جان کنند که ایشان امروز در کوفه به ابن‌زیاد ملعون فرمودند: من غیر از زیبایی نه چیزی ندیدم و نه شنیدم. این پیام حضرت نه به روز عاشورا بلکه از زمانی که این نهضت از مدینه به رهبری امام حسین (ع) شروع شد و در کربلا امام شهید شد و رهبری کاروان را امام سجاد (ع) بر عهده گرفت و کاروان از کربلا به کوفه و شام و به مدینه رسید لحظه به لحظه، حرکت به حرکت، سخن به سخن، جز زیبایی چیزی را نمی‌توان دید و شنید؛ این زیبایی به طوری است که اگر به واقع درک شود به شوقش تا قیامت چشم‌ها چون سیل اشک خواهند بارید پس باید که در مورد عزاداری‌هایمان و عمل‌هایمان، حتی دعاهایمان اندیشه کنیم و معنی و مفهوم کلمات را درست درک کنیم بعد آن بر زبان جاری کنیم چه زیبا و پر معنی است این بیان که: شما زنده بودن با آل محمد و مردن با آل محمد را به‌عنوان تعارف از پروردگار کریم تقاضا می‌کنید و آن را به حساب دعا می‌گذارید درحالی‌که در کنار امامی زندگی می‌کنید که اعجازی از خلقت هستند و زنده بودن را در قرن‌ها معنی کرده‌اند و مردن را در حین زنده بودن به عرصه‌ی نمایش گذاشتند و شما درحالی‌که امام و رهبرتان در هر لحظه یحیی و یمیت را در رسالت و امامت خود به زمان ثابت نموده است دعا می‌کنید که با آل رسول زنده باشید و با آل رسول بمیرید؛ نام این دعا را چه می‌گذارید؟ نامش آرزوی بدون دلیل و برهان است که هیچ منطقی ندارد. شما در کنار زنده‌ی واقعی مرده هستید و آن وقت مردن را در

کنار آل رسول تقاضا می‌کنید. از اندیشه تهی شده‌اید، به کارهایی که می‌کنید و سخنانی که می‌گویید اندیشه نمی‌کنید؛ با کلماتی بازی می‌کنید که نتیجه‌ی عمل شما محسوب می‌شود و برهان قرآن کریم بسیار سنگین است: آنچه پروردگار کریم آفرید حق بود نه بازیچه و بسیار فرموده است که: پروردگار کریم زنده را از مرده و مرده را زنده خارج خواهد فرمود پس کسی که در کنار زنده‌ای که مغزِ زمان است مرده باشد چگونه از او زنده‌ای خارج خواهد شد و زنده‌ای که در واقع با جهالت مرده محسوب می‌شود چگونه از او زنده‌ای خارج می‌شود پس دعا، میقاتِ یقینی است نه تعارف مجازی و کسانی که با دعا به‌عنوان تعارف مجازی زندگی کنند در نامه‌ی اعمالشان دچار لهو و لعب هستند که عمرشان را به تعارف و بازی تباه کردند. انعکاس بازدم امام عصر نوید شادابی و حیات جاودان است پس باید در حیات زمینی چنان در هدایت پروردگار کریم یعنی امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) باشیم تا در خطر مردن درحالی که نفس می‌کشیم قرار نگیریم پس باید همچون یاران امام حسین (ع) باشیم که در حیات زمینی‌شان در هدایت امام عصرشان زنده بودند و در عاشورا در یاری امامشان از آل رسول با شهادت از دنیا رفتند و ماماتشان نیز در کنار امام عصرشان زنده‌ی ابدی پیدا کرده است.

برای رسیدن به این آرزوی مهم و بزرگ از خداوند به دعا می‌خواهیم:

**اللهم عجل لوليک الفرج**